

Unit 8 book 5

ماهر

اگر کسی در کاری تبحر دارد ، در انجام آن مهارت زیادی دارد.
نجار در ساخت خانه بسیار ماهر است.

بی حاصل

اگر زمین بی حاصل باشد ، هیچ گونه گیاهی روی آن نمی روید.
مردم نمی توانند در زمین های بی حاصل کشاورزی کنند.

سرامیک

اگر چیزی سرامیکی باشد ، از خشت پخته شده ساخته شده است.
سقف خانه از کاشی و سرامیک ساخته شده است.

پختنی

اگر چیزی پختنی باشد ، مربوط به آشپزی است.
من مهارت آشپزی را پس از سالها کار در رستوران کسب کردم.

متراکم

اگر چیزی متراکم باشد ، بسیاری از چیزها به هم نزدیک است.
من به راحتی در جنگل انبوه گم شدم.

کرامت

کرامت توانایی آرام بودن و قابل احترام بودن است.
وقتی شرکتش از کار خارج شد ، با وقار با آن روبرو شد.

چیره شدن

تسلط بر شخصی یا چیزی کنترل وی است.
مرد بلندگو بر گفتگو مسلط شد.

خوراکی

اگر چیزی خوراکی است ، می توانید آن را بخورید هنگام اردو زدن در مورد گیاهان خوراکی یاد می گیریم.

خصومت آمیز

اگر کسی خصمانه باشد ، عصبانی و دوستانه نیست.
ما از دور شدن از همسایه خصمانه خود خوشحال شدیم.

مصرف

میزان دریافت غذا به میزان غذایی است که به بدن می رسانید.
دکتر گفت که لازم است مصرف میوه و سبزیجات را افزایش دهیم.

به همین ترتیب

اگر کسی به همین ترتیب کاری انجام دهد ، همان کار دیگری را انجام می دهد.
اگر جو برای رفتن به شنا از مدرسه دور است ، من هم می خواهم همین کار را انجام دهم.

سو تغذیه

سو تغذیه شرط عدم دریافت مواد مغذی کافی است.

بعد از خوردن فقط مقدار ناچیز غذا ، از سو تغذیه رنج برد.

دارو

دارو، دارو یا داروهایی است که به افراد بیمار داده می شود.

دکتر برای درمان بیماری من دارو داده است.

تصور غلط

تصور غلط ایده غلطی در مورد چیزی است.

مردم روزگاری این باور غلط را که زمین صاف است باور داشتند.

مبهم

اگر چیزی مبهم باشد ، شناخته شده نیست.

پیرمرد در جستجوی کتابهای مبهم جهان را سفر می کند.

ظلم کردن

ظلم کردن به یکی به معنای فرمانروایی بر او به روشی ظالمانه و ناعادلانه است

آزادی بیان در کشورش مورد ظلم واقع شده بود.

پوست کندن

پوست گرفتن میوه ها و سبزیجات به معنای از برداشتن پوست آنها است.

سیب را قبل از خوردن پوست کنده ایم.

نسخه

نسخه ، اجازه پزشک برای دریافت دارو است.

دکتر نسخه ای از داروهایم را به من داد.

ماسک تنفسی

ماسک تنفسی دستگاهی است که به افراد ضعیف یا بیمار کمک می کند تا تنفس کنند.

مرد برای تنفس به ماسک تنفسی احتیاج داشت.

تلاش کردن

تلاش یعنی مبارزه برای رسیدن به چیزی.

افرادی که برای موفقیت تلاش می کنند ، اغلب چنین می کنند.

شفا دهنده شدن

سالها پیش ، من در یک کلینیک کوچک بهداشتی در یک کشور دور افتاده کار کردم. من برای درمان یک سندرم مبهم به آنجا رفته بودم. این ریه ها مردم را مورد حمله قرار داد و باعث شد آنها برای تنفس به دستگاه تنفسی احتیاج داشته باشند. من در حال آزمایش داروی جدیدی برای درمان این افراد به جای استفاده از دستگاه تنفس بودم. اگر موفق می شدم مشهور می شدم.

همه چیز خوب پیش می رفت تا اینکه در یکی از کشورهای نزدیک، جنگ آغاز شد. بسیاری از مردم آن کشور از ارتش متجاوز فرار کردند. ارتش می خواست بر مردم مسلط شود ، اما مردم نمی خواستند تحت ستم قرار بگیرند. بنابراین آنها صدها مایل در زمین های بی حاصل راه افتادند تا دور شوند.

برخی از این افراد برای درمان به کلینیک ما مراجعه کردند. من با آنها صحبت کردم و از مشکلات آنها مطلع شدم. آنها التماس و شکایت نکردند. من از شرافت آنها تحت تأثیر قرار گرفتم.

یک زن بود که هرگز فراموش نمی‌کنم. پسرش از سو تغذیه و معده درد رنج می‌برد و او نمی‌دانست چه کاری انجام دهد نه من. من در درمان سو تغذیه مهارت نداشتیم. با این وجود، وقتی ناراحتی او را دیدم، فهمیدم که باید به پسرش کمک کنم.

زن به پسرش نان و آب می‌داد. او تصور غلطی داشت که این برای او کافی است. با این حال، من می‌دانستم که او نیز باید سبزیجات بخورد. بنابراین او را به بیرون بردم و تکه ای متراکم از گیاهان خوراکی را به او نشان دادم. من به او آموختم که چگونه ریشه ها را کنده، پوست کنده و برای پسرش بپزد. من توضیح دادم که او باید پسرانش را از این سبزیجات بخوراند. به همین ترتیب، او باید تلاش کند هفته ای یک بار گوشت به او بدهد تا به او کمک کند قدرت خود را بازیابد.

من تجویز داروی ضد درد برای او فرستادم، اما او همچنین با برخی مهارت های جدید آشپزی مطب من را ترک کرد. چند هفته بعد، او بازگشت و به من گفت پسرش دوباره سالم است. به عنوان تشکر، او یک کاسه سرامیکی زیبا به من داد.

من هرگز مشهور نشدم، اما آن کاسه را نگه داشتم تا یادآوری کنم که واقعاً معالجه کسی به چه معناست.